

## عبادت در سوره مبارکه یاسین

فاطمه صابری\*

چکیده

اسلام به عنوان تنها آیین نجات بخش انسان، کمال نهایی او را نایل شدن به قرب خداوند متعال و هدف آفرینش انسان را عبادت معرفی می کند. نوشتار حاضر در صدد است پس از تبیین مفهوم عبادت و تکامل انسان و جنبه های مختلف هر دو، ارتباط عبادات اسلامی و کمال انسان را بیابد. استفاده از آیات قرآن و منابع روایی و علمی راهگشای نوشتار حاضر به روش کتابخانه ای، توصیفی و تحلیلی بوده است. نتیجه این که اسلام علاوه بر تشریح نظام خاص عبادت برای ارتباط دائمی عبد و معبود، مسلمین را در زندگی به گسترش روح عبادت که همان اطاعت خاضعانه است تشویق کرده است. پایبندی به نظام عبادی اسلام سبب فراگیر و عمیق تر شدن اثرات عبادت در روح عبد و راهگشای تکامل فردی و اجتماعی او به سوی کمال نهایی اش که همان قرب خداوند متعال است؛ شده است. کلید واژه ها: عبادت، معبود، تکامل انسان، قرب الهی، کمال انسانی.

## مقدمه

سپاس و ستایش خداوند متعال و حکیم را سزااست که با قدرت مطلقه خویش هستی را نظام بخشید و برای هر موجودی کمالی را مقدر کرد. در میان همه موجودات، انسان را برتری بخشید و تاج «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ...» (الإسراء، ۷۰/۱۷) را بر سر او نشاناند. سپس او را فطرتی پاک و کمال جو بخشید و با شریعت آسمانی، به سوی خود فراخواند و هدف خلقتش را عبادت خود قرار داد و کمال نهایی اش را تقرب به ذات لایزال خود.

بنابراین، انسان از ابتدای آفرینش خود در پی معبود حقیقی خویش برآمد و در این مسیر با فراز و نشیب های بسیار مواجه شد. گاهی معبودهایی خیالی و محدود را به خطا پرستش کرد و پس از مدتی به حکم روح کمال جوی خویش به اشتباهش پی برد یا آن را سرکوب کرده و خواست با اشتغال به امور مادی و ظاهری آن را به فراموشی بسپارد. با بعثت حضرت محمد مصطفی (ص)، دین جامع و کامل اسلام از سوی خدای متعال به عنوان برنامه ای الهی برای هدایت انسان مقرر شد.

دین اسلام برای ظرفیت عظیم روحی انسان، کمالی بس والا به عظمت تقرب به خدای یگانه قرار داد و او را به عبادت آفریدگار یکتا فراخواند تا زمینه تکامل فردی و اجتماعی او را مهیا سازد و در این مسیر نورانی یاریش دهد. بنابراین، بر ماست که به کمال نهایی خویش معرفت یابیم و ظرفیت های تکاملی خویش را باز یابیم. حقیقت عبادت را به عنوان صراطی مستقیم به سوی کمال نهایی شناخته و به محدوده عبادات اسلامی آشنا شویم. سپس با درک نقش عبادات در مسیر تکاملی خویش زمینه بهره برداری هر چه بیشتر از امکانات الهی را فراهم آوریم و به یاری پروردگار با معرفت و جدیت و با قلبی شکرگزار در طریق روشن عبودیت او گام برداریم و در پی کمال خویش باشیم.

## عبادت در لغت و اصطلاح

لغت دانان «عبادت» را به معنای اطاعت و سرسپردگی گرفته اند. مؤلف لسان العرب در معنای این کلمه می نویسد: معنی العبادة فی اللّغة الطاعة مع الخضوع<sup>۱</sup>. در صحاح جوهری نیز آمده است: اصل العبودیة الخضوع و الدّلّ... و

در لغت نامه دهخدا چنین معنا شده است: پرستش کردن، بندگی کردن و نهایت تعظیم برای خدای متعال».<sup>۳</sup>

در توضیح جامع و اصطلاحی کلمه «عبادت» می توان چنین نوشت: پرستش کردن، طاعت و نهایت تعظیم برای خداوند متعال. عبادت در لغت به معنای ذلیل و رام شدن است. نوعی سپاس و مرتبه و الای آن است؛ زیرا حقیقت عبادت خضوع است در حد اعلاى آن که با عالی ترین مرحله تعظیم توأم باشد. از این رو، تنها کسی سزاوار «عبادت» است که هستی و آفرینش آدمی در دست باکفایت اوست و او جز خداوند کسی دیگر نیست. پس «عبادت» خاص ذات احدیت است. عبادت خداوند بر دو نوع است: اطاعت از دستورات او در همه شئون زندگی که آن را عبادت عام گویند. و دیگر به معنای تذلل توأم با تقدیس و نهایت خضوع و آن را عبادت خاص گویند.<sup>۴</sup>

علامه طباطبایی در تبیین مفهوم عبادت چنین می نویسد: مراد از عبادت اطاعت کردن است. این معنا با اعتبار عقلی نیز موافق است؛ زیرا عبادت چیزی جز اظهار خضوع و مجسم نمودن بندگی بنده نیست. عابد در عبادتش می خواهد این معنا را مجسم سازد که من به جز آنچه معبودم اراده کرده، اراده نمی کنم و به جز آنچه او راضی است، عمل نمی کنم. بنابراین، هر کس هر چیزی را اطاعت کند، در حقیقت او را عبادت کرده و او را معبود خود گرفته است.<sup>۵</sup>

مفهوم قرآنی عبادت: در قرآن کلمه عبد و عبادت بر سه وجه به کار رفته است:

۱. موحد و یکتاپرست بودن: «وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا» (النساء، ۳۶/۶).
۲. اطاعت کردن: «أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ \*وَأَنْ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ» (یس، ۳۶/۶۰-۶۱).
۳. در مورد بندگان و غلامان: «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ» (الزمر، ۳۹/۵۳).<sup>۶</sup>

در بیان قرآن عبادت مفهومی عام و گسترده دارد و همان تذلل و اطاعت است. طبق این بیان، همه انسان ها در طول زندگی خود، هر کدام به نحوی در طریق این مفهوم عام

سیر می کنند؛ تنها تفاوت ایشان در انتخاب معبود و شکل عبادت است. موحدان و یکتاپرستان، تنها خدای یگانه را عبادت می کنند: «قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ» (الزمر، ۱۱/۳۹)، برخی هوای نفس خود را اطاعت می کنند: «أَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ» (الفرقان، ۴۳/۲۵)، برخی به عبادت طغیان گران روی می آورند: «جَعَلَ مِنْهُمْ الْقِرَدَةَ وَالْخَنَازِيرَ وَعَبَدَ الطَّاغُوتَ» (المائدة، ۶۰/۵). و عده ای هم شیطان را اطاعت می کنند: «يَا أَبَتِ لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ» (مریم، ۴۴/۱۹).

استاد شهید مطهری<sup>(ه)</sup> در تبیین مفهوم عبادت در معارف اسلام، اطاعتی را عبادت معرفی می کند که بیانگر خضوع انسان در برابر چیزی به عنوان تقدیس و تنزیه و اعلام مبرا بودن آن چیز از نقص باشد. این نوع خضوع از نظر ایشان عبادت تلقی شده و برای غیر خدا جایز نیست. از سوی دیگر، بنابر آموزه های اسلام هر اطاعتی که از اطاعت خدای متعال سرچشمه نگیرد، شرک محسوب می شود؛ خواه اطاعت از نفس آماره باشد یا اطاعت از انسان های دیگر.<sup>۷</sup>

مفهوم فقهی عبادت: تقسیم احکام شرعی در میان فقها سبب شد، اعمالی که شرط قبولی آنها وجود نیت تقرب به خدا باشد را واجبات عبادیه یا عبادات بنامند. عبادات در صورت عدم وجود قصد تقرب باطل بوده و نیاز به قضا دارند. در مقابل عباداتی هستند که صرف انجام آنها دستور خداوند متعال است و قصد تقرب در پذیرش آن شرط نیست. این عبادات توصییه نام دارند.<sup>۸</sup>

مفهوم عرفی عبادت: انجام اعمال عبادی خاص نظیر نماز، روزه، حج و زکات در عَرَف به معنای عبادت به کار می رود. این معنا، نسبت به معانی دیگر قلمروی محدود تر دارد. البته به معنای فقهی نزدیکتر است، اما از معنای عام قرآنی آن فاصله دارد.

باید توجه داشت که اگر قرآن هدف خلقت انسان و نیز ارسال رسل را عبادت معرفی کرده است، هرگز این معنای محدود را قصد نکرده است.

## تکامل

تکامل در لغت به معنای تمام شدن، رو به کمال نهادن، به کمال رسیدن و به تدریج

کامل شدن است .

شهید مطهری<sup>(۵)</sup> در تبیین مفهوم تکامل می نویسد: تکامل یعنی: گام برداشتن در مسیر کمال . یعنی: شیء متکامل منزل عوض کند و مراحل را مرحله به مرحله پشت سر بگذارد . در این مسیر گذشته از عدم ثبات، تغییر در مسیر کمال هم صورت می گیرد . در تکامل باید یک مبدأ کمال را در نظر بگیریم و بعد مسیری از همان مبدأ را در نظر بگیریم که شیء در همان مسیر در مرحله بعد و در سطح بالاتر قرار گرفته است . این را می گوئیم تکامل .<sup>۹</sup> تکامل تغییری است که شیء متکامل در سطح عمودی انجام داده و به کمال نهایی خود نزدیک تر شود . بنابراین، تغییر و تحول در سطح افقی و بدون پیشرفت تکامل محسوب نخواهد شد .

مقصود از کمال نهایی هر موجود مستکمل در این تعریف، نقطه ای است که کمالی فراتر از آن برای آن موجود متصور نمی شود . پس کمال حقیقی هر موجود عبارت است از صفت یا اوصافی که فعلیت آن موجود اقتضای واجد شدن آن را دارد .<sup>۱۰</sup> کمال نهایی انسان، آخرین پله از نردبان ترقی او و نقطه ای است که انسان به مقتضای فطرتش شایستگی رسیدن به آن را دارد . این نقطه در متون دینی و احادیث با تعبیری مختلفی بیان شده است :

۱ . قرب الهی: ائمه<sup>(ع)</sup> در مناجات های خود، نهایت خواسته خود را قرب خدا می دانند: «قربک غاية سؤلی؛ تقرّب به تو، نهایت خواهش من است»<sup>۱۱</sup> . و آنان را که به قرب الهی رسیده اند، کمال یافته و به مقصد رسیده می خوانند: «ماذا وجد من فقدک و ماذا فقد من وجدک؛ چه به دست آورده آن که تو را ندارد و چه از دست داده، آن که تو را دارد» .<sup>۱۲</sup>

۲ . وصال الهی: در بسیاری از مناجات های معصومین<sup>(ع)</sup> دیده می شود که آنان نهایت آرزوی خود را وصال الهی دانسته و از فراق او نالیده اند . «وصلک منی نفسی؛ وصال آرزوی دل من است» .<sup>۱۳</sup>

۳ . لقای الهی: در برخی روایات و مناجات ها، لقای پروردگار کمال انسان و اوج آرزوی او خوانده می شود . امام سجّاد<sup>(ع)</sup> لقای الهی را روشنی چشم و مشاهده او را حاجت

خود می خواند: «لقاءك قرة عيني... و رؤيتك حاجتي...». ۱۴

بنابراین، کمال نهایی انسان در وصول به خداوند متعال و تقرب به اوست که با تعبیرات مختلف برای انسان ترسیم شده است. پس تکامل انسان همان حرکت صعودی انسان به سوی قرب الهی و رسیدن به لقا و رضای اوست.

### عبادت خداوند، رسالت موجودات هستی

پرستش در منطق قرآن منحصر در پرستش آگاهانه انسان نیست. بلکه در بیان قرآن همه هستی از خداست و در طریق محبت او در حرکت است و همه موجودات در مسیر تکاملی خود بنابر استعداد و خاصیت وجودی شان یکصدا به عبادت، تسبیح و تنزیه او مشغولند: «سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (الحديد، ۱/۵۷).

بنابراین، عبادت سنت عام الهی است.

اما این سنت عام در میان انسان ها که به زینت عقل و اختیار آراسته شده اند، معیار کمال و نردبان ترقی او به سوی خدا و وسیله حرکت در صراط مستقیم بندگی است: «وَأَنْ اَعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ» (یس، ۳۶/۶۱).

عبادت، نیاز فطری بشر: نیایش و پرستش از پایدارترین تجلیات روح بشر و از اصیل ترین ابعاد روح او است. مطالعه زندگی بشر در طول تاریخ نشان می دهد که هر جا بشری زندگی می کرده، نیایش و پرستش هم وجود داشته و تنها تفاوت در شکل عبادت و معبود بوده است.

عبادت نیازی ثابت برخاسته از فطرت کمال طلب آدمی است؛ بنابراین، گذشت زمان هرگز بر محو آن قادر نیست.

پیامبران(ع) عبادت را ابداع نکردند، بلکه این روحیه فطری را به مسیر صحیح پرستش کمال مطلق هدایت کرده و او را از پرستش غیر خدای یکتا نهی نمودند. بنابر مسلمات دینی و تاریخی بشر در ابتدا یگانه پرست و موحد بوده و خدای واقعی خویش را می پرستیده است. پرستش ماه و ستاره یا انسان از نوع انحرافات است که بعدها رخ داده است. پس حس پرستش که احیانا از آن به حس دینی تعبیر می شود در عموم افراد بشر وجود دارد. ۱۵

بنابراین، قرآن هرگز مسلمین را به پرستش نمی خواند، بلکه پیام اسلام شناساندن معبود حقیقی است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (البقرة، ۲/۲۱).

معرفت خداوند شرط عبادت: عبادت و پرستش حقیقی خداوند میسر نخواهد شد، مگر از طریق معرفت و شناخت پروردگار. اگر چه اولین گام به سوی عبادت برخاسته از نیازی فطری در بشر است، اما شناخت خداوند و معرفت به او سبب می شود که این نیاز فطری در مسیر صحیح پاسخ گفته شود و او را از اسارت انحرافات چون شرک و بت پرستی برهاند. از امام معصوم (ع) نقل شده است که فرمود: «لا خیر فی عبادۃ لیس فیها تفقه؛ عبادتی که همراه با شناخت و ژرف اندیشی نباشد، خیری در آن نیست»<sup>۱۶</sup>. علاوه بر این عبادت بدون شناخت، تکامل را که هدف عبادت است، به همراه نخواهد داشت؛ زیرا شرط کمال، شناخت و معرفت است. شناخت خدای یکتا که خالق و رازق و منعم حقیقی آدمی است، اولین گام عبد برای ورود به مسیر عبادت است. سپس با بالا رفتن هر چه بیشتر معرفت، عبادت کامل تر شده و انسان به کمال نهایی خود که قرب به خداست، نایل خواهد شد تا جایی که به عبادت عشق ورزیده و در زمره بهترین انسان ها قرار می گیرد. پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمود: بهترین مردم کسی است که عاشق عبادت شود پس با آن معانقه کند و با قلبش آن را دوست بدارد و با بدنش آن را لمس کند. و برای آن خود را فارغ کند. چنین شخصی دیگر باک ندارد که دنیایش چگونه می گذرد، به آسانی یا به سختی.<sup>۱۷</sup>

### گسترده‌گی نظام عبادی اسلام

در کتاب «العبودية» چنین آمده است: تمامی دین عبادت محسوب می شود. برای این که دین متضمن خضوع و فروتنی است. مثلاً گفته می شود: «یَدِینَ اللّٰهَ؛ خدا را می پرستند».

بنابراین دین خدا مساوی است با عبادت خدا و فرمانبری و خضوع در برابر او.<sup>۱۸</sup>

اگر بدانیم هدف دین ترسیم زندگی درونی و برونی انسان براساس دستورات الهی است و نیز دین یعنی: همان عبادت و فروتنی در برابر خدا، می توان نتیجه گرفت که عبادت همه زندگی را فراگرفته و آن را در همه جنبه ها به سوی رضای الهی هدایت می کند. نگاهی بر نظام عبادات در اسلام، عمق این باور در تعلیمات اسلام را جلوه گر

می سازد. اسلام به مسلمین می آموزد: «فَلْإِنْ صَلَاتِي وَسُكُي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (الأنعام، ۱۶۲/۶). و آنان را تشویق می کند که همه اعمال خود را برای خدا انجام دهند. از سوی دیگر گستره اعمال عبادی خاص را نیز بر تمام شئون زندگی مسلمین می گستراند تا تمرینی باشد برای حاکم کردن روح عبادت در همه زندگی.

این فراگیری اعمال عبادی در این شریعت نشانه اهتمام جدی اسلام به حفظ رابطه دائمی انسان با پروردگارش است. چنان که هر تلاش شایسته ای را با نیتی الهی، عبادت می نامد و از آن برای جلب رضای پروردگار متعال مدد می گیرد. در تعالیم اسلام، تفکر در نشانه های خداوندی، پاک دامنی، صدق و اخلاص در کنار عبادت های خاص مانند نماز و روزه قرار می گیرد و چه بسا از آنان برتر شمرده می شود.

**انگیزه های عبادت:** درک هر کس از روح عبادت و میزان بهره وری او از ثمرات آن، به مفهومی که از عبادت درک کرده و انگیزه درونیش نسبت به آن وابسته است. بنابراین، هر کس به فراخور ویژگی های روحی خود، از عبادت تلقی خاصی دارد. با توجه به این، اسلام برای عبودیت مراتبی قائل است. و بهره هر کس را به میزان معرفت او مشخص می سازد. از مشهورترین تقسیماتی که در عبادت صورت گرفته است کلام نورانی امیرمؤمنان حضرت علی (ع) است که عبادت را چنین تقسیم بندی می کند: «همانا گروهی خدا را از روی رغبت [در ثواب و پاداش] بندگی می کنند و این عبادت بازرگانان است [که سود و داد و ستد را در نظر دارند]. و گروهی خدا را از روی ترس بندگی می نمایند و این بندگی غلامان است [که از روی ترس، فرمان مولاشان را انجام می دهند]. و گروهی نیز از روی سپاسگزاری، خدا را بندگی می کنند و این عبادت آزادگان است. اینان خدا را با معرفت و اخلاص عبادت نموده و خدای یکتا را شایسته عبادت و بندگی می دانند».<sup>۱۹</sup>

طبق این حدیث شریف عده ای از مردم به عبادت به چشم نوعی معامله و معاوضه می نگرند و با نیت دست یافتن به بهشت یا ترس از دوزخ خدای متعال را پرستش می کنند. این نوع تلقی، اگرچه سطحی ترین برداشت از مفهوم عبادت است اما نمی توان آن را مذموم شمرده و بی ارزش دانست. بهرحال همه مردم در یک سطح از کمال نیستند.

در مقابل عده ای هم هستند که به عبادت عشق می ورزند و معرفت آنان به خدا و



حس سپاس و ستایش وادارشان می کند که عبادت خدا را به جای آورند. اینان دریافته اند که عبادت معراج انسان و نردبان قرب به خداست. بنابراین عبادت را به عنوان عالی ترین عکس العمل سپاسگزارانه از خالق هستی و اظهار شیفستگی و عشق به او انجام می دهند.

**انواع عبادت:** انسان با فطرتی اجتماعی آفریده شده است و حیات او در میان اجتماع معنا می پذیرد. پس اسلام به عنوان دینی فطری، نه تنها آدمی را به کناره گیری از اجتماع عزلت گزینی برای عبادت خدا ترغیب نمی کند، بلکه به عکس در صدد است تا از همه ظرفیت های انسانی برای حرکت به سوی خدا، عبادت او و تحقق حیات الهی بهره گیرد.

در نظام عبادی اسلام برخی عبادات چون جهاد، تجمع و تشکیل ارتباطات اجتماعی از سوی مسلمین را واجب می گرداند و برخی دیگر مانند نماز، اگرچه عبادتی فردی است، اما در اجتماع کمال می یابد و اگر با جماعت خوانده شود، مطلوب تر است. حتی روزه که عبادتی کاملاً فردی است و به صورت امساک از خوردن و آشامیدن برای تقرّب به خدا انجام می پذیرد نیز در مراسمی مثل نماز عید فطر با جامعه اسلامی پیوند می خورد.

اهتمام اسلام به استفاده از ظرفیت های اجتماعی افراد تا جایی پیش می رود که شعائر اسلامی به سمبل هایی برای وحدت مسلمین تبدیل می شود و آنان را در زمان و مکانی واحد و با سلوکی خاص به سوی همایش عظیم حج فرا می خواند. تکاپو و جوشش عظیم مسلمین در ایام حج نمونه عالی ترین احساسات و همبستگی های اجتماعی در جهت نیل به هدفی واحد است که در قالب یک عمل عبادی در میان مسلمین شکل می گیرد.

**آثار عبادت:** در منطق اسلام، عبادت به خودی خود امری مطلوب و مقصود آدمی است؛ تا جایی که هدف خلقت آدمیان عبادت خوانده شده است: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (الذاریات، ۵۶/۵۱).

نخستین هدف و اثر عبادت، تثبیت بندگی خداوند یگانه و اظهار خشوع و خضوع در درگاه او است. بنده باید باور داشته باشد که خدای متعال از همه آفریدگان خود بی نیاز است پس به عبادت بندگان نیازی ندارد و عبادت را تنها برای اصلاح نفس و تزکیه و کمال آنان قرار داده است. بنده حقیقی خدا، در عبادتش هیچ انگیزه دیگری جز امتثال امر الهی ندارد، خداوند متعال اثرات و برکات این عبادت را در زندگی او نمودار خواهد کرد. اثراتی

که می توان تعدادی از آنها را چنین برشمرد :

۱ . بینش نافذ و تسلط بر نفس : اولین اثر عبادت ، یافتن بینش نافذ و تسلط بر خویشتن و در نتیجه دوری از گناهان است . قرآن کریم چنین می فرماید : « **إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرِ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ** » (العنکبوت، ۴۵/۲۹) .

۲ . رفع ترس و اندوه در قیامت : خدای متعال در قرآن عبادت کنندگان خویش را به رفع ترس و اندوه در قیامت و ایمنی آنان بشارت می دهد : « **يَا عِبَادِ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ** » (الزخرف، ۶۸/۴۳) .

۳ . عزت نفس : خداوند کسی را که پیوسته با او در ارتباط است و با تمام وجود او را می خواند ، در نزد خود محبوب می دارد و به او کرامت نفس و بی نیازی عطا می کند ؛ تا محتاج کسی غیر از پروردگارش نباشد . در حدیثی قدسی آمده است : « ای فرزند آدم ! برای عبادت من خود را فارغ کن ، تا قلبت را از بی نیازی پر کنم » .<sup>۲۰</sup>

۴ . مراقبت دائمی انسان از خود : توجه به مبدأ آفرینش و تذکر حضور دائمی او در عبادت ، فرد را به مراقبت دائمی از نفس واداشته و تهذیب نفس او را ممکن می سازد .

۵ . تعالی روح : توجه به صفات جمال و جلال الهی و یادکرد خدا به این صفات در عبادات و نیایش ها سبب می گردد که بنده روح و جان خویش را به این صفات آراسته سازد .

۸ . تسلط بر جهان هستی : پیشوایان دین (ع) کنه عبودیت را ربوبیت و خداوندگاری بر جهان هستی معرفی کرده اند : « **العبودية كنهها الربوبية** » .<sup>۲۱</sup>

به هر حال روح همه آثار معنوی و اخلاقی و اجتماعی که در عبادت است ، یاد حق و غیر او را از یاد بردن است . این ذکر و ارتباط دائمی ، قلب آدمی را جلا می بخشد و او را در ارتباطی دائمی با خداوند یگانه قرار می دهد . این ارتباط دائمی ، منشأ خیرات و برکات شده و انسان را در همه ابعاد زندگی آراسته به اخلاق و صفات الهی با دارا بودن همه خصلت های متعالی یک انسان می سازد .

## ابعاد تکامل انسان

خداوند متعال موجودات را در بهترین شکل آفرید و آنان را به سوی کمالشان هدایت کرد: «قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى» (طه، ۵۰/۲۰). پس، هر موجود زنده خلق شده تا در مسیر کمال وجودی خویش حرکت کند. موجود فاقد تکامل، یا حیاتی ندارد و یا در سراسیمگی مرگ قرار گرفته است.

انسان در میان موجودات زنده موجودی است که ورای حیات ظاهری، دارای حیاتی معنوی است و تکامل او باید در هر دو بعد جسمانی و روحانی صورت گیرد.

تکامل جسمانی او مانند همه موجودات عالم به صورت تکوینی و مطابق قوانین خلقت خداوندی صورت گرفته است و انسان نقش چندانی در این مسیر به عهده ندارد. خداوند متعال در آیات شریفه قرآن به مراحل از این مسیر اشاره کرده است: «فَأَنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِنْ مُضْغَةٍ مُخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُخَلَّقَةٍ لِنُبَيِّنَ لَكُمْ وَنُقَرِّ فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ وَمِنْكُمْ مَنْ يُتَوَفَّىٰ وَمِنْكُمْ مَنْ يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْدَلِ الْعُمُرِ لِكَيْلَا يَعْلَمَ مِنْ بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئًا وَتَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَّتْ وَأَنْبَتَتْ مِنْ كُلِّ رَوْحٍ بِهِجٍ» (الحج، ۵/۲۲).

اما تکامل انسان در بعد روحانی، با نفخ روح الهی و ایجاد زمینه‌های لازم برای تکامل آغاز شده است: «ثُمَّ سَوَّاهُ وَنَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ» (السجدة، ۹/۳۲). و به پیمودن راهی موافق فطرت پاک، کمال طلب و خداجوی خود خوانده شده است: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا» (الروم، ۳۰/۳۰). پس از این مرحله، انسان با دارا شدن امتیاز «اختیار» می‌تواند به ندای رسولان الهی که برای هدایت او در مسیر صحیح تکامل فرستاده شده‌اند، لبیک گوید: «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ» (النحل، ۳۶/۱۶). او این استعداد را دارد که مصداق آیه شریفه: «يَا عِبَادِ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ» (الزخرف، ۶۸/۴۳)، باشد و یا خدای ناکرده از صراط الهی اعراض کند و مصداق آیه: «وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنَّةِ وَالْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ» (الأعراف، ۱۷۹/۷) قرار گیرد.

قرآن کریم انسان را برتر از همه موجودات و خلیفه خدا در روی زمین معرفی می کند . برای موجودی این چنین ، که خداوند به واسطه ظرفیت های والای وجودی او و آفرینش بر خود آفرین و مرحبا گفته است : «فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» (المؤمنون، ۱۴/۲۳) ، هدفی جز لقای خداوند متصور نیست . خداوند در حدیث قدسی می فرماید : «یا بن آدم! خلقت الأشياء لأجلک و خلقتک لأجلی ؛ ای فرزند آدم! همه اشیاء را به خاطر تو و تو را به خاطر خودم خلق کردم»<sup>۲۲</sup> . بنابراین ، غایت و سرانجام مسیر تکاملی انسان ، قرب خداوند متعال است . استاد شهید مطهری در این باره می نویسد : قرآن می گوید : انسان باید به خدا تعلق داشته باشد ؛ به این دلیل که خدا را کمال و نهایت سیر انسان می داند و مسیر انسان را به سوی خدا می داند<sup>۲۳</sup> . «قربک غایة سؤلی» .<sup>۲۴</sup>

## اقسام تکامل انسانی

انسان موجودی فطرتاً اجتماعی است و تکامل او در دو جنبه فردی و اجتماعی شکل می گیرد . دین در واقع برنامه تکامل فردی و اجتماعی برای دینداران است . تکامل فردی را می توان همان رابطه صحیح انسان با خودش دانست که در اصطلاح اخلاق نام دارد . شناخت هدف صحیح زندگی و همت ورزیدن در جهت کسب فضایل اخلاقی ، شکوفایی استعداد های انسانی و حفظ و تعالی آنان ، در این بعد از تکامل صورت می گیرد . قرآن کریم بر اهمیت نقش انسان در سرنوشت خویش تأکید دارد و انسان را مسئول زندگی خویش می داند : «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسُكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ» (المائدة، ۱۰۵/۵) هر انسانی باید با درک مسئولیت خویش ، مسیر صحیح تکامل خویش را بازشناسد و با استفاده از همه امکانات خدادادی ، با تمام توان به سوی آن پیش رود .

تکامل اجتماعی چگونه صورت می پذیرد؟ نیاز های مشترک انسانی و روابط ویژه زندگی انسان ها ، آنان را در حکم یک مجموعه به هم پیوسته قرار می دهد که همگی به سمت یک مقصد واحد در حرکتند . این به هم پیوستگی عمیق سبب می شود جوامع انسانی سرنوشت واحدی پیدا کنند . استاد شهید مطهری درباره اهمیت تکامل اجتماعی انسان می نویسد : نوع انسان برای آن که به کمال لایق خود برسد ، گرایشی اجتماعی دارد و زمینه

روح جمعی را فراهم می‌کند. روح جمعی، به منزله وسیله‌ای است که نوع انسان را به کمال نهایی خود می‌رساند. بنابر این، نوعیت انسان است که مسیر روح جمعی را تعیین می‌کند و به عبارت دیگر روح جمعی نیز به نوبه خود در خدمت فطرت انسانی است. ۲۵ البته نمی‌توان از تأثیر تکامل فردی در این بُعد از تکامل غفلت کرد. تکامل صحیح فردی و اصلاح و تزکیه نفس علاوه بر این که به سعادت فردی آدمی می‌انجامد، زمینه‌های تکامل اجتماعی او را نیز فراهم خواهد کرد. تا فرد از قید و بندهای درون خود رهایی نیابد، نمی‌تواند رابطه اش را با دیگران بر مبنای صحیح پایه گذاری کند.

### عبادت در معنای عام و تکامل انسان

فراگیر بودن مفهوم عبادت در اسلام نشان از این دارد که کلید اعمال و رفتارهای آدمی می‌تواند صبغه الهی داشته باشد و به عنوان عبادت انجام گیرد. عبادات در اسلام، پرداختن به اموری است که بندگی مطلق خداوند اقتضا می‌کند که در نتیجه آن، زندگی آدمی هماهنگ با خواست و رضای خدا خواهد شد. هر چه روح بندگی و تسلیم و تواضع در وجود افراد بیشتر رسوخ کند؛ اعمال و رفتار او بیشتر رنگ عبادت گرفته و او را به سوی التزام کامل به رضای الهی سوق می‌دهد و حرکت او را در مسیر کمال تسهیل می‌سازد. نگاه عام اسلام به مفهوم عبادت، سیر تکاملی انسان را در هر دو جنبه فردی و اجتماعی سرعت چشم‌گیری می‌بخشد.

**الف: عبادات اسلام و تکامل فردی انسان:** اسلام همه زمینه‌ها برای تکامل فردی انسان را در نظر گرفته و از ایجاد هر مانعی بر سر آن به شدت منع می‌کند. عبادت اسلام هرگز در اعمال خاصی یا در مکان‌های مخصوص محصور نمی‌شود؛ بلکه برنامه اسلام برنامه‌ای الهی است که مسلمان را می‌آموزد که روح عبادت را در همه زندگی بگستراند و شعارش چنین باشد: «قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (الانعام، ۱۶۲/۶). اسلام با این نگاه عام و گسترده از دو گرایش افراطی و تفریطی در مورد عبادت پیشگیری کرده است. نگرش اول نگرشی است که عبادت را اعمال خاصی تعریف می‌کند که باید در زمان و مکان خاص انجام شود و بدین صورت آن را مفهومی کاملاً خارج از زندگی عادی

انسان‌ها قرار داده است. این شیوه نگرش، سبب می‌شود که عبادت کارایی خود را از دست دهد و نقش سازنده خود را در تحول انگیزه‌ها و تربیت انسان ایفا نکند. این در حالی که هدف از «عبادت» صالح سازی انسان و تکامل او به سوی خدا است. این هدف تحقق نمی‌پذیرد مگر زمانی که روح عبادت بر همه زندگی آدمی سایه افکند و بنده در تمامی حالات و زمان‌ها دانای مطلق را ناظر بر اعمال خود بداند و در جهت کسب رضای او نیات اعمال و رفتار خود را سوق دهد و در مسیر تکاملی خود پیش رود.

نگرش دوم، نگرشی تفریطی است که زندگی افراد را در شکل خاصی از عبادت محصور می‌سازد. طبق این نگرش، انسان در تناقضی دائمی میان روح و جسم قرار دارد و در هر یک از این دو کامل نمی‌شود مگر آن که از دیگری بگذرد. بنابراین، برای رسیدن به تکامل روحی باید جسم خویش را در تنگنا قرار دهد و از حرام و حلال دنیا کناره‌گیری کند. هر دو گرایش فوق از نظر اسلام پذیرفتنی نیست؛ اسلام نه عبادت را مقوله‌ای جدا از زندگی می‌داند و نه زندگی را محصور در عبادت. اسلام مساجد را مقدس می‌شمارد؛ چون افراد در آن از چهارچوب تنگ زندگی مادی فراتر می‌روند و به حقایقی فراتر از این منافع می‌اندیشند. بنابراین، از بنده می‌خواهد که تمامی عالم را محضر خدا و جایگاهی برای عبادت آفریدگار بداند و در همه زندگی این گونه بیندیشد. از سوی دیگر، اسلام به عنوان دینی کامل و جامع هرگز مسلمان را به سرکوبی گرایش‌های فطری‌اش فرمان نمی‌دهد بلکه از او می‌خواهد دنیا را مزرعه آخرت خویش قرار دهد و از همین زندگی دنیوی به جایگاهی برای عنوان عبادت خدا برای تکامل خویش بهره‌جسته و با کردار و رفتار نیک در دنیا آخرت خویش را بسازد. پیامبر اکرم (ص) در حدیثی، از یاران خویش می‌خواهد که حتی خوردن و آشامیدن خود را وسیله تکامل و تعالی به سوی خدا قرار دهند: «ان استطعت ان لا تأکل و لا تشرب الا لله فافعل».<sup>۲۶</sup>

**ب: عبادت اسلام و تکامل اجتماعی انسان:** همه موجودات این جهان رو به سوی تکامل ره می‌سپارند و اساساً تکامل و نوع انسان در دل اجتماع صورت می‌گیرد. اجتماع در صورتی می‌تواند پرورش و تکامل انسان را تضمین کند که روح تعبد در برابر خداوند داشته و با یک نظم خداپسندانه، جامعه را به سوی خدای یگانه سوق دهد. با این وصف

اگر جامعه انسانی صالح گردد، افراد جامعه می‌توانند به هدف نهایی و تکاملی خویش نایل آیند و اگر جامعه فاسد شود، افراد آن تکامل نخواهند یافت<sup>۲۷</sup>. اسلام با توجه به ارتباط تنگاتنگ سعادت فرد و جامعه، عبادت‌های اجتماعی را نیز محصور نساخته است؛ بلکه دست‌گیری از هم‌نوعان و هرگونه کمک و همیاری با آنان را با هر شیوه‌ای عبادت می‌نامد. و ادای صحیح حقوق اجتماعی آنان را از برترین عبادت خدا شمرده و از آن استقبال می‌کند: امام صادق (ع) می‌فرماید: «والله ما عبد الله بشيء أفضل من أداء حق المؤمن؛ به خدا سوگند خداوند به چیزی برتر از ادای حق مؤمن عبادت نشده است»<sup>۲۸</sup>. بلکه مسلمانی را در گرو یاری به مسلمانان جامعه می‌داند. این چنین خداوند خدمت به هم‌نوع را که برخاسته از فطرت پاک آدمی است با هدف رضای خدا وسیله‌ای برای تکامل و تقرب به خود می‌داند.

**نظام خاص عبادت در تکامل انسان: نظام خاص عبادات در اسلام زمینه‌هایی هستند برای تمرین خضوع و خشوع در برابر پروردگار یکتا. اعمالی که بنده باید با نهایت سرسپردگی و تسلیم آن را انجام دهد و در هنگام انجام آن پیاموزد که چگونه در برابر خدا بایستد یا او را خطاب قرار دهد یا چگونه رضای او را جلب کند. در این نظام هر عبادتی با شکلی خاص انسان را گام به گام به سوی تعالی و کمال نزدیک می‌سازد و به همه ابعاد وجودی انسان در این مسیر یاری می‌رساند.**

#### ۱. رسالت نماز در تکامل انسان:

نماز و تکامل فردی: برای تثبیت هر امری در روح انسان، ناگزیر باید تعبیری عملی از آن در رفتار و اعمال آدمی جلوه‌گر شود. نماز، تعبیری عملی، مستمر و متبلور از عقاید و مفهوم تعلیمات اسلام در زندگی مسلمان‌هاست. نماز، توجه به سوی حقیقتی متعالی است که با رعایت شرط حضور قلب برای نمازگزار پدید می‌آید. این توجه مستمر و دائمی، سبب می‌شود که فرد همواره در زندگی خود در مسیر صحیح تکامل گام بردارد و لغزش و خطای او به حداقل برسد.

مسلمان در هر نماز به یکتایی خداوند متعال و رسالت فرستاده او، حضرت محمد مصطفی (ص) شهادت می‌دهد، عبادت و یاری جستن را در او منحصر می‌کند و از او حرکت در صراط مستقیم بندگی را طلب می‌کند. با به جای آوردن رکوع و سجود بندگی اش را

مجسم می‌سازد و برتری و غلبه ذات لایزال الهی بر همه موهومات خیالی را به نفس خود القا می‌کند و هر قیام و قعود خود را به نیرو و اراده پروردگار منتسب می‌سازد.

نماز و تکامل اجتماعی انسان: مسلمان در طی عبادتی چون نماز نیز با توجه به روحیه اجتماعی خود پیوند با مؤمنان را فراموش نمی‌کنند. پرستش خدا و یاری جستن از او را به همه مؤمنان نسبت می‌دهند و پیمان استوار ایمان و سلامت را با عبارت «السلام علینا و علی عباد الله الصالحین» تکرار می‌کند. علاوه بر این، تأکید مکرر اسلام بر فضیلت نماز جماعت، همراهی و یکرنگی با بندگان خدا را به مسلمانان می‌آموزد تا تمرینی باشد بر همراهی آنان در سایر فعالیت‌های زندگی و همه با هم در حرکتی جمعی به سوی ایجاد جامعه‌ای اسلامی و الهی سعادت و کمال را بجویند.

## ۲. رسالت روزه در تکامل انسان:

روزه و تکامل فردی: ماه مبارک رمضان در ذهن مسلمانان همواره در هاله‌ای از نور و تقدس جای گرفته است. مسلمان در این ماه که ماه میهمانی خدا نام دارد در رحمت و مغفرت سرشار او قرار گرفته است. درهای بهشت باز شده و درهای دوزخ قفل می‌شوند و شیاطین در بند می‌شوند تا زمینه‌های تکامل و قرب عابد به سوی معبود به بهترین شکل فراهم شود: پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: «خداوند متعال در هر شب ماه رمضان می‌گوید: به عزت و جلالم سوگند، به فرشتگان فرمان داده‌ام درهای آسمان را بر روی بندگان دعا کننده من بگشایند».<sup>۲۹</sup>

انسان روزه دار در این ماه در تذکری دائمی به خود به سر می‌برد. تذکری که در خودداریش از خوردن و آشامیدن و به بند کشیدن قوای حیوانی به نیت قرب الهی برای تعالی قوای روحانی و ملکوتی جلوه‌گر شده است. روزه دار در طی یک ماه تزکیه و آمادگی به شب‌های پر عظمت قدر بر می‌خورد که خداوند رحمت و مغفرت خود را به اوج می‌رساند و زمینه بخشش و محو همه آلودگی‌های روحی را فراهم می‌کند تا بنده با انگیزه‌ای نو و با تلاشی مضاعف و سرخوش از بنده نوازی معبود رؤفوش تکاپو برای تعالی و تکامل را از سر گیرد. روزه و تکامل اجتماعی: مؤمنان در ابتدای این ماه دل‌هایشان را به یکدیگر پیوند زده و آمدن ماه خدا را به یکدیگر تبریک می‌گویند. در طول ماه رمضان نیز یکدیگر را بر طاعت



الهی تشویق کرده و برای هم دعا می کنند. روزه داری برای همه مسلمانان فرصتی فراهم می آورد تا با تحمل گرسنگی و تشنگی و روحیه مواسات و همدردی را در وجود خود تقویت کنند. آگاهی غنی از حال فقیر به دوستی و برادری این دو می انجامد و انگیزه ای است برای غنی تا در جهت همکاری با فقیر بر آید و روحیه ایثار و جوانمردی را در خود تقویت کند. با پایان یافتن ماه مبارک رمضان، مؤمنان در روز عید فطر بار دیگر یکدیگر را ملاقات کرده و زلالت و روحانیت روح را به یکدیگر تهنیت می گویند و با پرداخت زکات فطره همدردی و همبستگی خود را با برادران تهیدستان تجدید می کنند و با انجام عبادتی اجتماعی در کنار برادران خود راه تعالی و تکامل را در پیش می گیرند.

### ۳. رسالت زکات در تکامل انسان:

زکات و تکامل فردی: پرداخت زکات تذکری دوباره است برای مومن که همه چیز از آن خداست و او در امتحان الهی واقع شده است: «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَأَنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ» (الأنفال، ۲/۸) و تلاشی است در جهت چشم پوشی از منافع دنیوی برای وصل رضایت و قرب الهی و تمرین عملی فرد بر باور قلبی اش که: «مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ» (النحل، ۹۶/۱۶).

پرداخت زکات، یعنی: پروراندن روحیه عبادت و تسلیم محض بودن در برابر خداوند. آن جا که فرد از بند حب دنیا و ثروت آن بگسلد و همه شهوات و قیودی را که تکامل و تعالی روحش به سوی معبود را به خطر می اندازد را از بین ببرد.

زکات و تکامل اجتماعی: اقتصاد نیز جزئی جدایی ناپذیر از زندگی انسان و دین جامع اسلام است. اسلام برای توازن زندگی اقتصادی مسلمین و به منظور جلوگیری از تمرکز ثروت در طبقه ای خاص و به تبع آن بی خبری اغنیا از مستمندان برنامه ای مالی به نام زکات را مقرر فرمود و از مسلمین خواست تا با پایبندی به آن به تعالی جامعه اسلامی کمک کنند.

با این تمهید اسلام تناقضات شدید مالی که در جوامع سرمایه داری وجود دارد از جامعه اسلامی ریشه کن شد. به این صورت که غنی از مال خود، مبلغی را به عنوان وظیفه شرعی و مال خدا جدا کرده و با رضایت خاطر به صورت عملی عبادی در اختیار دیگر

مسلمین قرار می دهد. از سوی دیگر، مسلمین به انفاق، صدقه، ایثار و مواسات با زندگی فقرا فراخوانده شده اند تا زمینه بر خورداری همه مسلمین از موهبت های الهی فراهم شود. این چنین پیکره جامعه اسلامی در آرامشی پایدار و نسبی و با برنامه ای الهی به سوی تکامل خود پیش می رود و از زمینه های غضب الهی مصون می ماند. امام صادق (ع) از قول رسول خدا (ص) می فرماید: «امت من تا زمانی که خیانت نکنند و امانت را به صاحبانش بازگردانند و زکات را بپردازند، همواره به نیکی خواهند زیست و وقتی این کار را نکردند، به قحطی و خشکسالی مبتلا می شوند». ۳۰

#### ۴. رسالت حج در تکامل انسان:

حج و تکامل فردی: آیام حج در زندگی هر مسلمان دورانی طلایی با فرصت هایی استثنایی برای قرب حضرت حق است.

حاجی در آیام حج همه زندگی خود را تسلیم خدای تعالی می کند و آن گونه که او فرمان می دهد، رفتار می نماید. آیام حج، تمرین عملی است برای این که بنده در همه شؤون زندگی تسلیم محض پروردگار باشد. با لبیک گویی و تکبیر، خدا را به بزرگی یاد می کند و در طواف، خضوع و خشوع برای خدا را می آموزد و با سنگ زدن بر نماد شیطان، همه تعلقات خیالی و افکار شیطانی را از زندگی خود طرد می کند و پاک و پیراسته از مظاهر دنیا اوج بندگی و خضوع را به نمایش می گذارد.

حاجی با دوری گزیدن از محرمات الهی که حتی کوچکترین و عادی ترین رفتارهای او را نیز در بر می گیرد، روحیه مراقبت پیوسته و دائمی از رفتارهای خویش را در خود بارور می سازد. سعی میان صفا و مروه به او می آموزد که در مسیر تکامل و تعالی و جلب رضای الهی، با تمام توان در تکاپو باشد.

حاجی با انجام همه این اعمال روح خود را از پلیدی ها صیقل داده و بانیریوی مضاعف به زندگی عادی خود باز می گردد و به رعایت اصول الهی در همه زندگی و مراقبت دائمی فراخوانده می شود زیرا به او تذکر داده شده است که این نورانیت با اوست تا زمانی که غفلت کند و از طریق تکامل و سیر به سوی معبود خویش خارج شود. معصوم می فرماید: «حاجی وقتی جمرات را رمی می کند از گناهانش بیرون می آید». ۳۱

حج و تکامل اجتماعی انسان: کسی که انجام اعمال حج را در پیش می‌گیرد، به عظمت اسلام و نقش آن در وحدت بخشیدن میان مسلمین پی می‌برد. حاجی در مراسم حج در کنار مسلمانانی با زبان، رنگ، نژاد و رسوم و طبقات مختلف قرار می‌گیرد و در کنار آنان بنده بودن را تمرین می‌کند. همه حاجیان، نقطه، مسیر و هدفی واحد را دنبال می‌کنند و این هماهنگی در ایام حج، سبب نزدیکی روح و روان آنان به یکدیگر شده به پیوندی استوار میان آنان می‌انجامد.

ایام حج بهترین فرصت است برای آگاهی ملت مسلمان از اوضاع و احوال یکدیگر در هر نقطه‌ای از جهان که باشند و مکانی است بی‌بدیل برای همفکری و همیاری در برابر توطئه‌های دشمن.

حاجیان در کنار یکدیگر پس از انجام اعمال حج با قربانی کردن و اطعام فقیران، ضمن تأکید بر ریشه کردن گرسنگی در جامعه، به عبادتی اجتماعی نیز می‌پردازند و جامعه مسلمین را به سوی تکامل و ترقی سوق می‌دهند.

#### ۵. اعمال مستحب و سیر تکاملی انسان:

دیگر اعمال عبادی چون قرائت قرآن و دعا و تضرع نزد خداوند هر کدام موهبت‌هایی عظیم و الطافی بی‌نهایت از سوی خداوند برای تسهیل سیر تکاملی انسان است. آدمی با قرائت قرآن به تعالیم جاودان اسلام معرفت می‌یابد و اصول زندگی فردی و اجتماعی یک مسلمان مؤمن را می‌شناسد و به عمل به آن مبادرت می‌ورزد. با ارشادات تعالی بخش آن آشنا می‌شود و فکر و اندیشه اش با تکرار سخنان خداوند به والاترین حقایق بارور می‌شود. جهان پیرامون خود را می‌شناسد، هدف خلقت خود را در می‌یابد و به بهترین وجه و هماهنگ با جهان هستی به عبادت خداوند متعال می‌پردازد تا رضایت و خشنودی او را جلب کرده و به سوی تعالی راه پیماید.

دعا نیز نوعی عبادت است؛ عبادتی که علاوه بر اشباع نیاز فطری انسان، وسیله‌ای است برای ارتباط با ذاتی لایزال، که او را آفریده و تدبیر همه امورش در دست است. مؤمن می‌داند که پروردگارش صدای او را می‌شنود و به حکم: «وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ» (البقرة، ۱۸۶/۲)، پاسخ

خواهد داد. بنابراین، از دستگیره مطمئن دعا برای رفع کاستی‌ها و طلب مدد و یاری الهی در ادامه سیر تکاملی خود نهایت بهره را خواهد برد. علاوه بر این، در متن دعا‌های مأثوره از ائمه (ع) مراتبی قوی از اعتقادات اسلامی و مراقبت‌های اعتقادی و اخلاقی وجود دارد که شیوه درخواست از خدا برای خود و دیگر بندگان خدا را به آدمی می‌آموزد و به او تعلیم می‌دهد که در هنگام دعا برای دیگران نیز بهترین‌ها را از خداوند مسئلت دارد تا خشنودی او را بیش از پیش تحصیل کند.

۱. لسان العرب، ۱۲/۹.
۲. صحاح اللغة، «جوهری»/۳۲۳.
۳. لغت نامه دهخدا، ۳۱/۳۲.
۴. معارف و معاریف، ۱۴۹۳/۴.
۵. المیزان، ۱۸/۱۸۷.
۶. قاموس قرآن «ترجمه عزیزی نقش»، ۸۸/۲.
۷. رجوع کنید به: خدمات متقابل اسلام و ایران/۲۱۹.
۸. فلسفه الصلاة، «ترجمه رضایی».
۹. فطرت «شهید مطهری»/۱۳۷.
۱۰. کمال نهایی انسان «عبداللهی»/۵۱.
۱۱. مفاتیح الجنان/مناجات المریدین.
۱۲. همان/مناجات امام حسین(ع) در روز عرفه.
۱۳. همان.
۱۴. همان/مناجات المریدین.
۱۵. انسان در قرآن «شهید مطهری»/۲۲.
۱۶. منتخب میزان الحکمه «تلخیص سید حمید حسینی»، ۳۲۵/۵. همان، ۵۵/۱۴.
۱۷. همان.
۱۸. العبودیة «ابن تیمیة»/۴۳ به نقل از عبادت در اسلام، ترجمه ستاری خرقانی/۵۳.
۱۹. نهج البلاغة «فیض الاسلام»/۱۱۳۴ ح/۲۲۹.
۲۰. منتخب میزان الحکمه، ۵/۳۲۵.
۲۱. مصباح الشریعة/۵۳۶.
۲۲. علم الیقین «فیض کاشانی»، ۳۸۱/۱.
۲۳. انسان کامل/۳۰۲.
۲۴. مفاتیح الجنان، مناجات المریدین.
۲۵. جامعه و تاریخ «شهید مطهری»/۵۰.
۲۶. نظام العبادات فی الاسلام «ترجمه مهدی طیب»/۳۹.
۲۷. المیزان، ۱۲/۱۹۹.
۲۸. منتخب میزان الحکمه، ۵/۳۲۶.
۲۹. فضائل الأشهر الثلاثة «ابن بابویه»/۹۹.
۳۰. وسائل الشیعة/۲۴۹/۹.
۳۱. همان، ۵۵/۱۴.